

بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر امید فرهادتوسکی

استادیار گروه حسابداری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران. (نویسنده مسئول).
farhadi_omid58@yahoo.com

سیده سمیه موسوی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.
parih6205@gmail.com

چکیده

افشای مسئولیت اجتماعی به عنوان پل ارتباطی بین واحد تجاری و ذینفعان باعث جذب سرمایه‌گذاران می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی بر مسئولیت اجتماعی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور در این پژوهش اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل و عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت به عنوان متغیر وابسته در طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفته است که در نهایت تعداد ۱۰۵ شرکت از شرکتهای حاضر در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه در این مطالعه انتخاب شدند. از مدل رگرسیونی چند متغیره خطی و با استفاده از نرم افزار اکسل و ایویوز برای آزمون فرضیات مطرح شده استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین اجتناب مالیاتی و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد، و بین مالکیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین مالکیت نهادی و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین اندازه هیات مدیره و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: مسئولیت اجتماعی شرکت، اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی.

مقدمه

گزارش در مورد مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) یک موضوع در حال ظهور در شفافیت اطلاعات شرکت است. افشای مسئولیت اجتماعی شرکت علاوه بر برآورده کردن نیازهای اطلاعاتی طیفی از ذینفعان، فرصتی منحصر به فرد را به مدیران فراهم می‌کند تا رفتار و مشارکت شرکتهای خود را در مورد توسعه اقتصادی و اجتماعی برجسته کنند. از آنجایی که گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت تحت تاثیر انتخاب‌ها، انگیزه‌ها و ارزش‌های تصمیم‌گیرندگان است، استدلال می‌شود که ویژگی‌های راهبردی شرکتی به طور قابل توجهی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر می‌گذارد (چان و همکاران، ۲۰۱۴؛ هانیفا و کوک، ۲۰۰۵؛ جو و هارجوتو، ۲۰۱۱). بنابراین، مسئولیت اجتماعی شرکت و راهبردی شرکتی به هم مرتبط هستند (چان و همکاران، ۲۰۱۴؛ جو و هارجوتو، ۲۰۱۱). راهبردی شرکتی به سیستم کنترل‌ها و تعادل‌های داخلی و خارجی می‌شود که تضمین می‌کند شرکتهای هم به ذینفعان خود پاسخگو هستند و هم کسب و کار خود را به شیوه‌ای مسئولیت‌پذیر اجتماعی انجام می‌دهند (سولمان، ۲۰۱۳).

از لحاظ نظری، با استفاده از نظریه نهادی می‌توان تکامل فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت را توضیح داد (نتیم و سوباروین، ۲۰۱۳). بر اساس تئوری نهادی، سازمان‌ها به دلیل فشارهای نهادی ویژگی‌های مشابهی را اتخاذ می‌کنند و این مساله دلالت بر انتقال ارزش‌های نهادی به ساختار، استراتژی‌ها و عملیات یک سازمان دارد که بدین وسیله هم

شکلی نهادی ایجاد می‌شود (دیماگیو و پاول، ۱۹۹۱). این مورد از ایزومورفیسم (هم‌شکلی) یک عنصر کلیدی جامعه شناسی نهادی جدید است، و فرض می‌کند که سازمان‌ها ساختارها و شیوه‌های مدیریتی را اتخاذ می‌کنند که توسط سایر سازمان‌ها مشروع و از نظر اجتماعی قابل قبول است، صرف نظر از سودمندی واقعی آن‌ها (رودریگ و کریگ، ۲۰۰۷). دیماگیو و پاول بر این باورند که هم‌شکلی نهادی از طریق سه ساز و کار زیر روی می‌دهد: هم‌شکلی اجباری، هم‌شکل تقلیدی و هم‌شکل هنجاری. هم‌شکلی اجباری در نتیجه فشارهای نیروهای رسمی و غیررسمی وارد شده از سوی سازمان‌های دیگر، صورت می‌گیرد. هم‌شکلی اجباری ناشی از نفوذ سیاسی و مسائل مشروعیت است. در واقع هم‌شکلی اجباری واکنشی به فشارهای رسمی و غیررسمی است که توسط نهادهای خارجی (که شرکت به آن‌ها وابسته است) بر سازمان‌ها اعمال می‌شود. این فشارها شامل سیاست دولت، مقررات و روابط تامین کننده مالی است. علاوه بر این نهادها، انتظارات فرهنگی جامعه‌ای که سازمان‌ها در آن فعالیت می‌کنند نیز فشار وارد می‌کند. هم‌شکلی تقلیدی به فرایندی اطلاق می‌شود که نهادها را تشویق می‌کند که با مجموعه فشارهای محیطی به دیگران در جامعه شبیه شوند. به بیان دیگر، سازمان‌ها در شرایط نبود قطعیت، مسیری را انتخاب می‌کنند که توسط سازمان‌های موفق و مشابه انتخاب شده است. در واقع این نو هم‌شکلی زمانی اتفاق می‌افتد که سازمان‌ها شروع به الگوبرداری از سازمان‌های دیگر کنند. آن‌ها از بهترین شیوه‌های سازمان‌های دیگر که مشروع‌تر یا موفق‌تر تلقی می‌شوند الگوبرداری می‌کنند. در هم‌شکلی هنجاری، سازمان‌ها برای انطباق با مجموعه‌ای از هنجارها و قوانین توسعه یافته توسط نهادهای حرفه‌ای مسلط تحت فشار قرار می‌گیرند. در هم‌شکلی هنجاری، اشخاص حرفه‌ای بر تلاش‌های نهادها در پذیرش سیستم‌ها، روش‌ها و نحوه عمل تأثیر می‌گذارند (برنز، ۲۰۰۰).

اگرچه پژوهش‌های قبلی مزایا و مشوق‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت را در کشورهای توسعه یافته بررسی کردند، انگیزه‌های مربوط به مسائل مربوط به عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت در اقتصادهای نوظهور تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است (بروکز و اویکونومو، ۲۰۱۸؛ دیویس و همکاران، ۲۰۱۶؛ لین و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، هدف این پژوهش ارائه بینش‌های جدید در مورد انگیزه‌ها و پیامدهای شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت در یک بازار در حال ظهور است: ایران، کشوری در حال توسعه است. این پژوهش با استفاده از یک مجموعه داده‌های شرکت‌های بورسی ایران، بررسی می‌کند که چگونه اجتناب مالیاتی و ساز و کارهای راهبری شرکتی داخلی ممکن است گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت را هدایت کند. به طور خاص، همخوانی بین پرداخت مالیات و سیاست‌های CSR را بررسی می‌کنیم. اگر شرکت‌ها اجابت مالیات را به عنوان عنصر محوری مسئولیت اجتماعی شرکت در نظر بگیرند، اجتناب مالیاتی می‌تواند به منظر و شهرت یک شرکت از نظر مسئول اجتماعی آسیب برساند (لین و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین، یک شرکت مسئولیت‌پذیر اجتماعی باید در شیوه‌های اجتناب از مالیات کمتر مشارکت داشته باشد (هوی و همکاران، ۲۰۱۳؛ لاگویر و همکاران، ۲۰۱۵). با این حال، پژوهش‌های گذشته شواهد متناقضی ارائه می‌دهند که شرکت‌های درگیر در شیوه‌های اجتناب از مالیات، افشای مسئولیت اجتماعی شرکت را افزایش می‌دهند تا احساسات منفی مرتبط با پرداخت‌های مالیاتی پایین را خنثی کنند (لندری و همکاران، ۲۰۱۳؛ لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۳؛ پریوس، ۲۰۱۰). پژوهش حاضر با بررسی اینکه آیا رابطه مکمل یا جایگزینی بین اجتناب مالیاتی و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت در زمینه ایران وجود دارد گسترش می‌یابد.

علاوه بر این، بررسی ساز و کارهای راهبری شرکتی، به ویژه ترکیب هیئت مدیره و تأثیر آن بر مسئولیت اجتماعی شرکت حائز اهمیت است (رائو و تیلت، ۲۰۱۶). در پژوهش حاضر تأثیر سطح پیچیدگی و تنوع هیئت مدیره بر میزان گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت بررسی می‌شود. به عنوان مثال، برخی استدلال می‌کنند که مدیران مستقل در راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر بسزایی دارند (الیو و روس، ۲۰۱۸). علاوه بر این، حضور اعضای خانواده در هیئت

مدیره بر دیدگاه و شیوه‌های شرکت در مورد راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر می‌گذارد (بلوم و همکاران، ۲۰۱۲؛ مولینس و اسکوار، ۲۰۱۶). جذب انواع مختلفی از اعضای هیئت مدیره - اعضای خانواده، غیرخانوادگی، ملی و خارجی - نقش مهمی در ارائه مهارت‌ها و دیدگاه‌های مختلف به هیئت مدیره دارد که بر تصمیم‌گیری و نظارت بر فعالیت‌های شرکت، به طور کلی و به ویژه برای شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت تأثیر گذار است.

با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده بوسیله ایرانی برای دوره ۱۳۸۹-۱۳۹۸، رابطه بین سیاست مالیاتی شرکت و سیاست مسئولیت اجتماعی شرکت مشاهده شد. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های درگیر در اجتناب مالیاتی تمایلی به افزایش افشای مسئولیت اجتماعی شرکت به منظور ایجاد ادراک مثبت از رفتار اخلاقی و بهبود شهرت عمومی و رسانه‌ای خود ندارند. یافته‌های همچنین از اهمیت ساز و کارهای راهبری شرکتی داخلی برای فعالیت‌ها و گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت پشتیبانی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که افشای مسئولیت اجتماعی شرکت برای شرکت‌هایی که اعضای خانواده یا اعضای نهادی در هیئت مدیره هستند به‌طور قابل توجهی بالاتر است.

پژوهش حاضر به چندین روش به ادبیات افشای مسئولیت اجتماعی شرکت، راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی کمک می‌کند. ابتدا، با ارائه شواهد تجربی جدید در مورد رابطه بین اجتناب از مالیات و مسئولیت اجتماعی شرکت در بازار سرمایه نو ظهور، به ادبیات افشای مسئولیت اجتماعی شرکت کمک می‌شود. دوم، در پژوهش حاضر ساز و کارهایی از حاکمیت شرکتی را در نظر می‌گیرد که در بازارهای نوظهور حائز اهمیت هستند. سوم، در زمینه بازارهای نوظهور، اجتناب مالیاتی و گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت در ادبیات حاکمیت شرکتی توجه اندکی را به خود جلب کرده است که پژوهش حاضر پاسخی به درخواست برای پژوهش‌های بیشتر برای پر کردن شکاف موجود است.

انتظار بر آن است تا نتایج این پژوهش چندین دستاورد علمی داشته باشد. اول این که نتایج این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت گردد. دوم این که پژوهش حاضر شواهد نسبتاً جدیدی را با آزمون رابطه بین اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت فراهم می‌نماید. این شواهد نشان می‌دهد که شرکت‌ها تمایل دارند شیوه‌های اجتناب از مالیات خود را با کاهش افشای مسئولیت اجتماعی شرکت افزایش دهند. سوم این که دستاورد علمی آن می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار استانداردها و استانداردها و استفاده‌کنندگان مسئولیت اجتماعی قرار دهد تا بتوانند استانداردهای گزارشگری مسئولیت اجتماعی را بهبود بخشند. نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های جدید در مورد مسئولیت اجتماعی شرکت و عوامل موثر بر آن نیز پیشنهاد نماید.

ادامه پژوهش حاضر بدین صورت سازماندهی شده است: بخش دوم شامل پیشینه و فرضیه‌های پژوهش، بخش سوم شامل روش‌شناسی پژوهش، بخش چهارم شامل نتایج تجربی پژوهش، و بخش پنجم شامل بحث و نتیجه‌گیری پژوهش است.

پیشینه و فرضیه‌های پژوهش

اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت

مسئولیت اجتماعی شرکت به طور قابل ملاحظه‌ای مورد توجه از سوی جامعه کسب و کارها و دانشگاهیان قرار گرفته است (بروکز و اویکونومو، ۲۰۱۸؛ لو و تیلور، ۲۰۱۶). شیوه‌های مسئولیت اجتماعی محیطی در بر گیرنده هر فعالیتی است که بیانگر تلاش‌های شرکت برای ایجاد تأثیر مثبت بر محیط و جامعه می‌شود. این شیوه‌ها نیز تمرکز بر مسائل حاکمیتی شرکت‌ها، مانند صداقت، اخلاق، شفافیت، و عملکرد موثر هیئت مدیره دارد (لیمکریانگرا و همکاران، ۲۰۱۷؛ لو و تیلور، ۲۰۱۶). طبق اصول سرمایه‌گذاری مسئولانه (PRI)، پرداخت سهم منصفانه مالیات توسط شرکت‌ها از جمله عوامل

کلیدی مسئولیت اجتماعی محیطی است (PRI، ۲۰۱۷). در این خصوص باید به این نکته اشاره کرد که مالیات برای شخصیت و عملکرد دولت، اقتصاد و جامعه عامل حیاتی است. در درجه اول مالیات‌ها جمع آوری می‌شوند تا دولت را قادر سازد تا انواع کالاها و خدمات عمومی را در اختیار مردم قرار دهد (گرینا، ۲۰۱۵). با این حال، اجتناب از مالیات را می‌توان به عنوان یک فعالیت جهت به حداکثر رساندن ارزش واحدهای تجاری در نظر گرفت (کیم و همکاران، ۲۰۱۱؛ آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۵). اجتناب از مالیات را می‌توان به عنوان کاهش مالیات‌های پرداختی توسط شرکت‌ها تعریف کرد (دیرنگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ هوپ و همکاران، ۲۰۱۳؛ لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۳). این نشان می‌دهد که شرکت‌ها می‌توانند نرخ‌های مالیاتی خود را کاهش دهند در حالی که همچنان موقعیت‌های مالیاتی را اتخاذ می‌کنند که بعید است توسط مقامات مالیاتی لغو شود، مانند افتتاح یک شرکت تابعه در کشوری با مالیات کم یا استفاده از استهلاک تسریعی (گانتر و همکاران، ۲۰۱۶).

در ادبیات دانشگاهی و پژوهش‌های انجام شده در مورد رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی اختلاف نظر وجود دارد (دیویس و همکاران، ۲۰۱۶؛ حسینوف و کلام، ۲۰۱۲؛ لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۳؛ لین و همکاران، ۲۰۱۷؛ پریوس، ۲۰۱۰؛ سیکا، ۲۰۱۰). برخی از پژوهش‌ها استدلال می‌کنند و دریافته‌اند که شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی احتمالاً تهاجم مالیاتی کمتری دارند. یافته‌های آن‌ها با دیدگاه دینفعان فریمن (۱۹۸۴) مطابقت دارد که لزوم حفظ تعادل بین اخلاق تجاری، منافع اقتصادی و مسئولیت اجتماعی را ایجاد می‌کند، و از این رو، پیشنهاد می‌کند که شرکت‌ها باید از شیوه‌های تهاجمی مالیاتی اجتناب کنند و سهم منصفانه مالیات خود را بپردازند (هوی و همکاران، ۲۰۱۳؛ لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۳؛ لین و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس دیدگاه دینفعان، می‌توان بیان کرد که پرداخت مالیات یک عنصر محوری از اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است (لین و همکاران، ۲۰۱۷). لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۵) دریافته‌اند که شرکت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی، کمتر درگیر یک اختلاف مالیاتی بزرگ و مناقشه بر سر تعهدات مالیاتی خود هستند. به همین ترتیب، هوی و همکاران (۲۰۱۳) نشان می‌دهند که شرکت‌هایی با فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی پایین در اجتناب از مالیات، تهاجمی‌تر هستند. لاگویر و همکاران (۲۰۱۵) نشان می‌دهند که مسئولیت اجتماعی شرکتی به طور منفی با سطح تهاجمی مالیاتی شرکت مرتبط است.

در مقابل، چندین پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین افشا/فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود دارد (دیویس و همکاران، ۲۰۱۶؛ لندری و همکاران، ۲۰۱۳؛ لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۳). یافته‌های آن‌ها مبتنی بر این استدلال است که یک شرکت، قراردادی است بین سهامداران و مدیران، با یک تابع هدف واحد - حداکثر کردن ثروت سهامداران (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). در چنین شرایطی، مسئولیت اجتماعی شرکتی یک محدودیت ایجاد می‌کند و این جنبه، مدیران را وادار می‌کند تا بین نگرانی‌های اجتماعی و به حداکثر رساندن ثروت سهامداران معامله‌ای انجام دهند. در واقع، مدیران کاهش مالیات یا درگیر شدن در استراتژی‌های اجتناب از مالیات را برای سهامداران مفید می‌دانند (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ هسینوو و کلام، ۲۰۱۲؛ سیکا، ۲۰۱۰). در همین حال، مدیران نسبت به اثرات منفی احتمالی مرتبط با انجام فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی مانند تحریم‌ها، آسیب رساندن به شهرت شرکت، افزایش نگرانی‌های عمومی و فشار رسانه‌ها ابراز نگرانی می‌کنند (لاگویر و همکاران، ۲۰۱۵؛ لین و همکاران، ۲۰۱۷؛ ویلسون، ۲۰۰۹). بنابراین، مدیران تمایل دارند افشای مسئولیت اجتماعی شرکتی خود را افزایش دهند تا اتخاذ استراتژی‌های اجتناب مالیاتی را بپوشانند یا مزایای پیش‌بینی شده گزارش مسئولیت اجتماعی شرکتی را به دست آورند (هوی و همکاران، ۲۰۱۳؛ لین و همکاران، ۲۰۱۷).

در چنین شرایطی، گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکتی به عنوان یک نتیجه از فرآیند مدیریت ریسک شهرت در نظر گرفته می‌شود، به ویژه، زمانی که یک شرکت انگیزه‌های برای مشارکت در رفتارهای سوال برانگیز (مشکوک) مانند اجتناب

از مالیات داشته باشد (ببینگتن و همکاران، ۲۰۰۸؛ لانیس و ریچاردسون، ۲۰۱۳). با توجه به دیدگاه مدیریت ریسک مسئولیت اجتماعی شرکتی، "یک شرکت می‌تواند با مدیریت مثبت شهرت مسئولیت اجتماعی شرکتی خود، به منافع سهامداران خود خدمت کند، که به طور بالقوه می‌تواند خطر مرتبط با رویدادهای منفی شرکت را کاهش دهد" (هوی و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، اگر اعتبار مسئولیت اجتماعی شرکتی مثبت، از شرکت در برابر ریسک‌های نامطلوب جرمه‌های سیاسی، نظارتی و اجتماعی محافظت کند، شرکت‌ها ممکن است فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی را برای محافظت در برابر پیامدهای اجتناب مالیاتی مدیریت کنند (گادفری، ۲۰۰۵؛ هوی و همکاران، ۲۰۱۳). انگیزه دیگر برای افشای بیشتر مسئولیت اجتماعی شرکتی، تحت تاثیر قرار دادن سهامداران است. بر این اساس استدلال می‌شود که مدیران از افشای شرکتی و قضاوت خود در گزارشگری مالی به عنوان ابزار مدیریت موثر، برای تأثیرگذاری بر ادراکات و تصمیمات ذینفعان استفاده می‌کنند (هیلی و وال، ۱۹۹۹؛ یوتاس و همکاران، ۲۰۰۲). با توجه به مطالب فوق فرضیه زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بین اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت

حاکمیت شرکتی مجموعه رویه‌ها و راه‌کاری است که یک شرکت از طریق آن هدایت و کنترل می‌شود (حساس یگانه، ۱۳۸۴). به طور کلی تعاریف حاکمیت شرکتی در متون علمی دارای ویژگی پاسخ‌گویی است. تعاریف محدود حاکمیت شرکتی متمرکز بر قابلیت‌های سیستم قانونی یک کشور برای حفظ حقوق سهامداران اقلیت می‌باشد. در تعاریف گسترده‌تر حاکمیت شرکتی، شرکت‌ها در برابر کل جامعه، نسل‌های آینده و منابع طبیعی (محیط زیست) مسئولیت دارند (تریگر، ۱۹۸۴؛ مگینسون، ۱۹۹۴؛ رابرت مانکز و مینو، ۱۹۹۵). در این دیدگاه، سیستم حاکمیت شرکتی در حقیقت موانع و اهرم‌های تعادل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای شرکت‌ها محسوب می‌شود که مسئولیت‌پذیر بودن و مسئولانه عمل کردن آن‌ها را تضمین می‌کند. همچنین، استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که برآورده کردن منافع سهامداران در گرو در نظر گرفتن منافع ذینفعان است، چون در بلندمدت، شرکت‌هایی موفق هستند که در برابر تمام ذینفعان مسئول باشند. شرکت‌ها با ایفای مسئولیت خود در برابر تمام ذینفعان و با بهینه‌سازی سیستم راهبری شرکتی خود می‌توانند ارزش‌آفرینی خود را در بلندمدت افزایش دهند و این کار را می‌کنند. از این رو به لحاظ نظری، سیستم حاکمیت شرکتی مطلوب می‌تواند کیفیت پاسخگویی اجتماعی شرکت‌ها را بهبود بخشیده و بدین طریق اعتبار اجتماعی شرکت‌ها را افزایش دهد. پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که شرکت‌های خانوادگی در ساختارهای حاکمیتی و واکنش آن‌ها به پذیرش بهترین شیوه‌ها متفاوت هستند و حضور اعضای خانواده در هیئت مدیره با این تفاوت‌ها بین شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی مرتبط است (بلوم و همکاران، ۲۰۱۲). پژوهش‌های گذشته شواهد مختلفی در مورد ارتباط بین شرکت‌های خانوادگی و شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی ارائه می‌دهند. در حالی که برخی از پژوهش‌ها رابطه مثبتی بین شرکت‌های خانوادگی و شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی کشف کرده‌اند (برون و همکاران، ۲۰۱۰؛ بینگهام و همکاران، ۲۰۱۱؛ کرووز و همکاران، ۲۰۱۴؛ دبیر و وتین، ۲۰۰۶)، پژوهش‌های دیگر یک رابطه منفی را گزارش می‌کنند (مورک و یونگ، ۲۰۰۴). با توجه به مطالب فوق فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

فرضیه دوم: بین مالکیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مالکیت نهادی و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین اندازه هیات مدیره و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین دوگانگی سمت مدیر عامل و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ششم: بین استقلال اعضای هیات مدیره و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش جامعه و نمونه آماری

در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. بدین منظور شرکت‌هایی با شرایط زیر از جامعه آماری یعنی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان دوره زمانی پژوهش (به استثنای فرابورس) حذف شده‌اند.

- (۱) حذف شرکت‌های غیرفعال، خارج شده از بورس یا وارد شده طی دوره زمانی پژوهش.
- (۲) حذف شرکت‌های مشمول تغییر سال مالی در قلمرو زمانی پژوهش.
- (۳) حذف هلدینگ‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، تأمین سرمایه، واسطه‌گری‌ها، بانک‌ها، بیمه‌ها و لیزینگ‌ها.
- (۴) حذف شرکت‌های فاقد داده‌های کلیدی در تمام سال‌های قلمرو زمانی پژوهش. با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است. داده‌های حسابداری مورد نیاز به صورت دستی از گزارش سالانه شرکت‌ها جمع‌آوری شده است.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

مسئولیت اجتماعی شرکت - متغیر وابسته: منظور از مسئولیت اجتماعی شرکت، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به گونه‌ای است که منافع کلیه ذینفعان شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه، در سیاست‌ها و عملکرد سازمان منعکس گردد. به عبارت دیگر سازمان باید همواره خود را جزیی از اجتماع بداند و نسبت به جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به گونه‌ای مستقل از منافع مستقیم شرکت تلاش کند (فروغی و همکاران، ۱۳۸۷). در این پژوهش برای بررسی معیار گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت از گزارش فعالیت هیات مدیره (بخش عملکرد اجتماعی) استفاده شده است. به طوری که اگر شرکتی در زمینه‌های محیط زیست، رفاه کارکنان، مصرف بهینه انرژی و فعالیت اجتماعی و خیریه عملکرد و اقداماتی داشته از متغیر مجازی یک و در غیر اینصورت صفر استفاده شده است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۵). به پیروی از بهار مقدم و همکاران (۱۳۹۲) برای اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در صورتی که شرکت اطلاعاتی در خصوص کارهای عام المنفعه منتشر نماید عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد. در صورتی که شرکت اطلاعاتی در خصوص اقدامات کاهش آلودگی‌های محیط زیست منتشر نماید عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد. در صورتی که شرکت اطلاعاتی در خصوص اقدامات رفاه کارکنان منتشر نماید عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد. در صورتی که شرکت اطلاعاتی در خصوص کیفیت محصولات منتشر نماید عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد. بنابراین، در صورتی که شرکتی هر کدام از شاخص‌های فوق را در گزارشات مالی و گزارشات سالیانه هیئت مدیره به مجمع عمومی افشاء نموده باشد متغیر مجازی یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود. بعد از تعیین صفر و یک‌ها از همه متغیرها میانگین گرفته شده است و از میانگین این داده‌ها برای هر شرکت به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. اجتناب مالیاتی - متغیر مستقل: به تلاش یک شخص، شرکت یا مؤسسه در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی اطلاق می‌گردد. در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی، در جهت کاهش مالیات می‌باشد.

اجتناب از مالیات یک فعالیت فرار مالیاتی، بدون شکستن خطوط قوانین و درون چارچوب قوانین مالیات است. برای محاسبه اجتناب از مالیات، مقیاس‌های مختلفی به کار می‌رود، که در پنج دسته کلی: تفاوت‌های مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات، اجتناب مالیاتی اختیاری (یا غیرعادی)، مزایای مالیاتی شناسایی نشده و پناهگاه‌های مالیاتی تقسیم‌بندی می‌شوند. مطابق با پژوهش‌های گذشته، نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده می‌شود (دیرنگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ هوپ و همکاران، ۲۰۱۳؛ لاگویر و همکاران، ۲۰۱۵). بر اساس پژوهش‌های گذشته، اجتناب مالیاتی در بر گیرنده شیوه‌هایی است که مالیات شرکت را نسبت به سود قبل از مالیات کاهش می‌دهد. بنابراین، برای به دست آوردن نرخ مؤثر مالیاتی، هزینه‌های مالیات بر سود قبل از مالیات تقسیم می‌شود.

حاکمیت شرکتی - متغیر مستقل: طبق گفته سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD): حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیأت مدیره آن، سهامداران و سایر ذینفعان است. حاکمیت شرکتی همچنین، ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن اهداف شرکت تعیین شده و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد تعیین می‌شود. حاکمیت شرکتی خود باید انگیزه‌های مالی را برای هیأت مدیره و مدیریت در جهت پیگیری اهدافی که به نفع شرکت و سهامداران است را فراهم نماید و نظارت مؤثر را تسهیل کند و در نتیجه شرکت‌ها را به استفاده اثربخش‌تر از منابع تشویق کند. در واقع، حاکمیت شرکتی نظامی است که شرکت‌ها به وسیله آن تحت هدایت و کنترل قرار می‌گیرند. برای اندازه‌گیری حاکمیت شرکتی از معیارهای مالکیت خانوادگی، مالکیت نهادی، اندازه هیأت مدیره، دوگانگی سمت مدیر عامل، و استقلال هیأت مدیره استفاده شده است.

جدول (۱): تعریف متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	نحوه اندازه‌گیری
مسئولیت اجتماعی شرکت	CSR	شرکت مسئولیت اجتماعی را رعایت کرده باشد یک و در غیر اینصورت صفر می‌پذیرد
اجتناب مالیاتی	ETR	هزینه مالیات تقسیم بر سود قبل از مالیات
مالکیت خانوادگی	FAMILY	شرکت خانوادگی باشد یک و در غیر اینصورت صفر می‌پذیرد
مالکیت نهادی	INSTO	درصد سهام شرکت در اختیار سازمان‌های نهادی
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت
دوگانگی سمت مدیر عامل	CEODU	مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره شرکت یک نفر باشد یک و در غیر اینصورت صفر می‌پذیرد
استقلال هیأت مدیره	BIND	درصد اعضای مستقل هیأت مدیره به کل اعضای هیأت مدیره شرکت
اندازه شرکت	CSIZE	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت
سودآوری	PROFIT	سود خالص همگن شده توسط کل دارایی‌های شرکت
اهرم مالی	LEV	کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت
مخارج سرمایه‌ای	CAXTA	نسبت کل مخارج سرمایه‌ای (تفاوت خالص ارزش دفتری دارایی‌های ثابت در ابتدا و پایان دوره، بعلاوه هزینه‌های استهلاک) همگن شده توسط کل دارایی‌های شرکت

مدل‌های تجربی

به منظور بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت از مدل رگرسیون چند متغیره زیر استفاده شده است.

$$CSR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ETR_{it} + \beta_2 FAMILY_{it} + \beta_3 INSTO_{it} + \beta_4 BSIZE_{it} + \beta_5 CODU_{it} + \beta_6 BIND_{it} + \sum_{j=1}^9 \beta_j Controls_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

نحوه اندازه‌گیری تمام متغیرهای مورد استفاده در مدل رگرسیونی (۱) در بخش بالا وجود دارد.

نتایج تجربی

تحلیل تک متغیره

در جدول ۲ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. نتایج جدول نشان می‌دهد که میانگین مسئولیت اجتماعی شرکت برابر مثبت ۰/۵۳۰ است که نشان می‌دهد تقریباً ۵۳ درصد شرکت‌های نمونه مسئولیت اجتماعی را رعایت کرده‌اند. میانگین نرخ موثر مالیاتی مثبت ۰/۱۱۳ است و نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی در شرکت‌های نمونه بالا است.

در جدول ۳ همبستگی پیرسون به صورت دو به دو برای متغیرهای مدل رگرسیونی ارائه شده است. با انجام آزمون همبستگی به بررسی ارتباط ابتدایی بین متغیرها (تحلیل تک متغیره) پرداخته می‌شود. با توجه به نتایج جدول می‌توان گفت بین متغیرها ارتباط وجود دارد و می‌توان به بررسی دقیق‌تر این روابط پرداخت (اعداد پر رنگ نشان دهنده رابطه معنادار بین متغیرها است). ضرایب برای هر جفت متغیرهای مستقل زیر ۰/۷ است، بنابراین مشکل همخطی وجود ندارد. همچنین نتایج بدست آمده از محاسبه VIF نشان می‌دهد (کمتر از ۱۰ که در این مقاله ارائه نشده است) که همخطی بین متغیرها وجود ندارد.

برای خنثی کردن اثرات نقاط پرت در مدل رگرسیونی، تمام متغیرهای پیوسته در محدوده ۱ درصد پایین و ۹۹ درصد بالا تعدیل شده است.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	ردیف	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
مسئولیت اجتماعی شرکت	(۱)	CSR	۰/۵۳۰	۰/۶	۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۵
اجتناب مالیاتی	(۲)	ETR	۰/۱۱۳	۰/۱۱	۰/۳۸۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۵
مالکیت خانوادگی	(۳)	FAMILY	-	-	۱	۰/۰۰۰	-
مالکیت نهادی	(۴)	INSTO	۱/۸۴۰	۱/۸۹۰	۲	۰/۰۰۰	۰/۱۸۷
اندازه هیات مدیره	(۵)	BSIZE	۵/۰۳۳	۵	۷	۵	۰/۲۶۱
دوگانگی سمت مدیر عامل	(۶)	CEODU	-	-	۱	۰/۰۰۰	-
استقلال هیات مدیره	(۷)	BIND	۰/۶۶۹	۰/۶	۴	۰/۰۰۰	۰/۲۰۲
اندازه شرکت	(۸)	CSIZE	۶/۰۰۳	۵/۹۳۰	۸/۲۸۰	۴/۳۶۰	۰/۶۲۸
سودآوری	(۹)	PROFIT	۰/۵۵۶	۰/۰۶۰	۳۳/۸۵	-۸/۷۳	۲/۴۰۱
اهرم مالی	(۱۰)	LEV	۰/۶۱۵	۰/۶۲۰	۲/۶۶۰	۰/۱	۰/۲۰۷
مخارج سرمایه‌ای	(۱۱)	CAXTA	۰/۲۶۹	۰/۰۲۰	۱۵/۱۲	-۱/۴۹۰	۱/۰۶۹

جدول (۳): ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

(۱۱)	(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-۰/۰۴۸	-۰/۱۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۶۹	-۰/۰۶۲	-۰/۰۵۸	۰/۰۲۴	۰/۰۷۶	۰/۰۳۵	-۰/۰۳۳	۱	(۱)
۰/۰۱۵	-۰/۰۰۱	۰/۰۳۶	-۰/۰۳۹	-۰/۰۰۷	-۰/۰۳۴	-۰/۰۲۱	۰/۰۱۲	-۰/۰۸۴	۱	-۰/۰۳۳	(۲)
۰/۰۰۳	-۰/۰۲۸	-۰/۰۱۳	۰/۰۲	-۰/۰۲۷	-۰/۰۹۸	۰/۰۲۰۳	۰/۰۷۵	۱	-۰/۰۸۴	۰/۰۳۵	(۳)
-۰/۰۳۵	-۰/۰۴۶	-۰/۲۴۳	-۰/۰۵۳	۰/۰۲۳	-۰/۰۴۴	۰/۰۵۵	۱	۰/۰۷۵	-۰/۰۱۲	۰/۰۷۶	(۴)
۰/۰۰۲	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۹	-۰/۰۸۸	-۰/۰۴۱	۱	۰/۰۵۵	۰/۰۲۰۳	-۰/۰۲۱	۰/۰۲۴	(۵)
۰/۰۵۳	۰/۰۰۸	-۰/۰۱۸	-۰/۱۲۸	۰/۰۷۶	۱	-۰/۰۴۱	۰/۰۴۴	-۰/۰۹۸	-۰/۰۳۴	-۰/۰۵۸	(۶)
-۰/۰۴۵	-۰/۰۱۹	-۰/۰۳۵	۰/۱۲۴	۱	-۰/۰۷۶	-۰/۰۸۸	۰/۰۲۳	-۰/۰۲۷	-۰/۰۰۷	-۰/۰۶۲	(۷)
-۰/۱۲۶	۰/۱۳۸	۰/۰۴۴	۱	۰/۱۲۴	-۰/۱۲۸	۰/۰۱۹	-۰/۰۵۳	-۰/۰۰۲	-۰/۰۳۹	-۰/۰۶۹	(۸)
۰/۳۶۹	۰/۰۵۷	۱	۰/۰۴۴	-۰/۰۳۵	-۰/۰۱۸	-۰/۰۰۲	-۰/۲۴۳	-۰/۰۱۳	۰/۰۳۶	۰/۰۰۹	(۹)
-۰/۰۱۵	۱	۰/۰۵۷	۰/۱۳۸	۰/۰۱۹	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴۶	-۰/۰۲۸	-۰/۰۰۱	-۰/۱۰۱	(۱۰)
۱	-۰/۰۱۵	۰/۳۶۹	-۰/۱۲۶	-۰/۰۴۵	۰/۰۵۳	۰/۰۰۲	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۳	۰/۰۱۵	-۰/۰۴۸	(۱۱)

تحلیل چند متغیره

به منظور آزمون فرضیه از نتایج تخمین مدل ارائه شده در جدول ۴ و با رویکرد داده‌های ترکیبی استفاده شده است. برآورد مدل در جدول ۴ با استفاده از الگوی رگرسیون خطی انجام گرفته است. نتایج برآورد مدل در جدول ۴ ارائه گردیده است.

جدول (۴): نتایج تخمین مدل پژوهش

متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره تی	معناداری
عرض از مبدا	C	-۰/۴۷۵۹	-۰/۲۰۴۱	۲/۳۳۱۷	۰/۰۱۹۹
نرخ موثر مالیاتی	ETR	-۰/۰۴۰۱	۰/۰۱۲۰	۳/۳۳۲۹	۰/۰۰۰۰
مالکیت خانوادگی	FAMILY	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۱	۳/۰۲۶۶	۰/۰۰۰۰
مالکیت نهادی	INST	۰/۰۸۵۰	۰/۰۳۵۳	۲/۴۰۶۱	۰/۰۱۶۳
اندازه هیات مدیره	BSIZE	۰/۰۳۰۸	۰/۰۰۹۵	۳/۲۴۲۸	۰/۰۰۰۰
دوگانگی سمت مدیر عامل	CEODU	۰/۰۱۴۷	۰/۰۱۴۷	۱/۰۰۰۷	۰/۳۱۷۲
استقلال هیات مدیره	BIND	۰/۰۱۹۲	۰/۰۳۰۵	۰/۶۳۱۰	۰/۵۲۸۲
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۱۴۴	۰/۰۲۵۰	۴/۵۶۳۱	۰/۰۰۰۰
سودآوری	PROFIT	-۰/۰۰۹۶	۰/۰۰۳۵	۲/۷۵۹۸	۰/۰۰۵۹
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۱۴۳	۰/۰۴۰۸	۰/۳۵۰۷	۰/۷۲۵۹
مخارج سرمایه‌ای	CAXTA	-۰/۰۰۲۶	۰/۰۰۷۰	۰/۳۷۱۸	۰/۷۱۰۱
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره اف	معناداری	آماره دوربین - واتسن	
۰/۷۲۶۷	۰/۶۹۳۴	۲۱/۸۰۰۸	۰/۰۰۰۰	۱/۸۳۹۸	

با توجه به مقدار احتمال به دست آمده برای آماره F که کمتر از ۰/۰۵ می باشد، نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد این مدل معنادار می باشد. مقدار ضریب تعیین مدل برابر ۰/۷۲۶۷ می باشد که نشان می دهد ۷۲/۶۷ درصد تغییرهای متغیر وابسته (مسئولیت اجتماعی) توسط متغیر مستقل و کنترلی تشریح شده است.

با توجه به جدول ۴ ضریب متغیر اجتناب مالیاتی معادل ۰/۰۴۰۱- است و احتمال آماره t برای اجتناب مالیاتی برابر صفر است. این مقدار احتمال کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. در نتیجه اجتناب مالیاتی بر مسئولیت اجتماعی شرکت تاثیر منفی و معنادار دارد. بنابراین فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید است. ضریب متغیر مالکیت خانوادگی معادل ۰/۰۰۰۵ است و احتمال آماره t برای مالکیت خانوادگی برابر صفر است. این مقدار احتمال کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. در نتیجه مالکیت خانوادگی بر مسئولیت اجتماعی شرکت تاثیر مثبت و معنادار دارد. بنابراین فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید است. ضریب متغیر مالکیت نهادی معادل ۰/۰۸۵۰ است و احتمال آماره t برای مالکیت نهادی برابر ۰/۰۱۶۳ است. این مقدار احتمال کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. در نتیجه مالکیت نهادی بر مسئولیت اجتماعی شرکت تاثیر مثبت و معنادار دارد. بنابراین فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید است.

ضریب متغیر اندازه هیات مدیره معادل ۰/۰۳۰۸ است و احتمال آماره t برای اندازه هیات مدیره برابر صفر است. این مقدار احتمال کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. در نتیجه اندازه هیات مدیره بر مسئولیت اجتماعی شرکت تاثیر مثبت و معنادار دارد. بنابراین فرضیه چهارم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید است. ضریب متغیر دوگانگی سمت مدیر عامل مدل ۰/۰۱۴۷ است و احتمال آماره t برای دوگانگی سمت مدیر عامل برابر ۰/۳۱۷۲ است. این مقدار احتمال بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. در نتیجه دوگانگی سمت مدیر عامل بر مسئولیت اجتماعی شرکت تاثیر معناداری ندارد. بنابراین فرضیه پنجم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید نمی شود. ضریب متغیر استقلال هیات مدیره معادل ۰/۰۱۹۲ است و احتمال آماره t برای استقلال هیات مدیره برابر ۰/۵۲۸۲ است. این مقدار احتمال بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است. در نتیجه استقلال هیات مدیره بر مسئولیت اجتماعی شرکت تاثیر معناداری ندارد. بنابراین فرضیه ششم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید نمی شود. از بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت و سودآوری تاثیر معناداری بر مسئولیت اجتماعی شرکت دارند.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش رابطه بین اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت ۱۰۵ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ از طریق رگرسیون خطی چند متغیره با استفاده از داده های ترکیبی بررسی شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها (شواهد پژوهش) نشان می دهد بر اساس فرضیه اول بین اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، در شرکت هایی که نرخ مور مالیاتی کاهش می یابد اجتناب مالیاتی افزایش و در نتیجه مسولیت اجتماعی شرکت نیز افزایش می یابد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها (شواهد پژوهش) نشان می دهد بر اساس فرضیه دوم، سوم و چهارم بین مالکیت خانوادگی، مالکیت نهادی و اندازه هیات مدیره و مسئولیت اجتماعی شرکت رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، حاکمیت شرکتی تاثیر مثبت روی مسئولیت اجتماعی شرکت دارد. یافته های پژوهش فعلی منطبق با نتایج پژوهش تارک و همکاران (۲۰۲۰) نیز، همسو می باشد.

پژوهش حاضر دارای کاربردهای علمی و کاربردی نیز بوده است. پژوهش حاضر شواهد جدیدی را با آزمون رابطه بین اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکتی فراهم می نماید. پژوهش های قبلی فقط بر تعداد معدودی از معیارهای حاکمیت شرکتی تمرکز داشته اند اما این پژوهش بر اکثر معیارهای حاکمیت شرکتی تمرکز نمود.

این پژوهش یکی از اولین مطالعاتی است که این رابطه را در کشورهای در حال توسعه آزمون می‌نماید. و پژوهشگران مختلفی می‌توانند در پژوهش‌های آتی از این مقاله استفاده نمایند. این پژوهش سهم مفیدی برای درک اهمیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت دارد. این به سازمان‌ها کمک می‌کند تا از پارامترهایی که می‌توان مسئولیت اجتماعی شرکت و عوامل تاثیرگذار بر آن را ارزیابی کرد، مطلع شوند. این یافته‌ها برای متولیان حرفه، مؤسسات حسابرسی و شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران و سهامداران و سایر استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی برای دستیابی به کیفیت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت از طریق برجسته کردن رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت مهم است. نتایج نشان می‌دهد که ممکن است قانون‌گذاران مقررات بیشتری را در مورد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در نظر بگیرند و توجه ویژه‌ای به مسئولیت اجتماعی شرکت داشته باشند. متولیان حرفه (جامعه حسابداران رسمی، سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی)، شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر متقاضیان گزارشگری مالی باید توجه ویژه‌ای به مسئولیت اجتماعی و عوامل موثر بر آن داشته باشند.

این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است. اول، این پژوهش در شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس سهام تهران انجام گرفته، بنابراین نتایج این پژوهش را نمی‌توان به شرکت‌های غیر تولیدی پذیرفته شده در بورس سهام تهران تعمیم داد. دوم، عدم افشای اطلاعات مورد نیاز برای انجام پژوهش حاضر از جمله مسئولیت اجتماعی در برخی از گزارش‌های سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش را دشوارتر نمود. سوم، دوره زمانی پژوهش در برگیرنده بازه ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ است بنابراین در تعمیم نتایج به دوره‌های دیگر باید با احتیاط انجام گیرد.

پژوهش‌های آتی می‌توانند به جای نرخ موثر مالیاتی از معیارهای دیگری برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی شرکت‌ها استفاده کرده و رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت را بر اساس معیار مذکور بسنجند. یا از شیوه‌های دیگری برای اندازه‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت استفاده نمایند.

منابع

- ✓ بهار مقدم، مهدی، صادقی، زین العابدین، صفرزاده، ساره، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۹۰-۱۰۷.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۴)، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، حسابدار، دوره ۲۰، شماره ۱۶۸، صص ۱۰-۵۷.
- ✓ دارابی، رویا، وقفی، سید حسام، سلیمانی، مریم، (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط گزارشگری مسئولیت اجتماعی با ارزش و ریسک شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۹۳-۲۱۳.
- ✓ فروغی، داریوش، میر شمس شهبهانی، مرتضی، پور حسین، سمیه، (۱۳۸۷)، نگرش مدیران درباره افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۲، صص ۵۵-۷۰.
- ✓ Abdelfattah, T., & Aboud, A. (2020). Tax avoidance, corporate governance, and corporate social responsibility: The case of the Egyptian capital market. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 38, 100304.
- ✓ Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.

- ✓ Burns, J. (2000). The dynamics of accounting change: inter-play between new practices, routines, institutions, power and politics. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 13(5): 566-96.
- ✓ Brooks, C., & Oikonomou, I. (2018). The effects of environmental, social and governance disclosures and performance on firm value: A review of the literature in accounting and finance. *The British Accounting Review*, 50(1), 1-15.
- ✓ Bloom, N., Genakos, C., Sadun, R., & Van Reenen, J. (2012). Management practices across firms and countries. *Academy of Management Perspectives*, 26(1), 12-33.
- ✓ Berrone, P., Cruz, C., Gómez-Mejía, L. R., & Larraza-Kintana, M. (2010). Socioemotional wealth and corporate responses to institutional pressures: Do family-controlled firms pollute less? *Administrative Science Quarterly*, 55(1), 82-113.
- ✓ Bingham, J. B., Dyer, W. G., Smith, I., & Adams, G. L. (2011). A stakeholder identity orientation approach to corporate social performance in family firms. *Journal of Business Ethics*, 99(4), 565-585.
- ✓ Bebbington, J., Larrinaga, C., & Moneva, J. M. (2008). Corporate social reporting and reputation risk management. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21(3).
- ✓ Cruz, C., Larraza-Kintana, M., Garcés-Galdeano, L., & Berrone, P. (2014). Are family firms really more socially responsible? *Entrepreneurship Theory and Practice*, 38(6), 1295-1316.
- ✓ Chan, M. C., Watson, J., & Woodliff, D. (2014). Corporate governance quality and CSR disclosures. *Journal of Business Ethics*, 125(1), 59-73.
- ✓ Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85(4), 1163-1189.
- ✓ Dyer Jr, W. G., & Whetten, D. A. (2006). Family firms and social responsibility: Preliminary evidence from the S&P 500. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 30(6), 785-802.
- ✓ Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2008). Long-run corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 83(1), 61-82.
- ✓ Davis, A. K., Guenther, D. A., Krull, L. K., & Williams, B. M. (2016). Do socially responsible firms pay more taxes? *The Accounting Review*, 91(1), 47-68.
- ✓ DiMaggio, P., & Powell, W. (1991). The iron cage revisited. Institutionalized isomorphism and collective rationality in organizational fields, In W. Powell & P. DiMaggio (Eds.), *The New Institutionalism in Organizational Analysis* (pp. 63-82). Chicago: Chicago University Press.
- ✓ Freeman, R. E. (1984). *Strategic management: A stakeholder perspective*. Boston: Pitman, 13.
- ✓ Guenther, D. A., Matsunaga, S. R., & Williams, B. M. (2016). Is tax avoidance related to firm risk? *The Accounting Review*, 92(1), 115-136.
- ✓ Godfrey, P. C. (2005). The relationship between corporate philanthropy and shareholder wealth: A risk management perspective. *Academy of Management Review*, 30(4), 777-798.
- ✓ Gribnau, H. (2015). Corporate social responsibility and tax planning: Not by rules alone. *Social and Legal Studies*, 24(2), 225-250.
- ✓ Hoi, C. K., Wu, Q., & Zhang, H. (2013). Is corporate social responsibility (CSR) associated with tax avoidance? Evidence from irresponsible CSR activities. *The Accounting Review*, 88(6), 2025-2059.
- ✓ Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13(4), 365-383.
- ✓ Hope, O. K., Ma, M. S., & Thomas, W. B. (2013). Tax avoidance and geographic earnings disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 56(2-3), 170-189.

- ✓ Huseynov, F., & Klamm, B. K. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. *Journal of Corporate Finance*, 18(4), 804-827.
- ✓ Hope, O. K., Ma, M. S., & Thomas, W. B. (2013). Tax avoidance and geographic earnings disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 56(2-3), 170-189.
- ✓ Haniffa, R., & Cooke, T. (2005). The impact of culture and governance on corporate social reporting. *Journal of Accounting and Public Policy*, 24(5), 391-430.
- ✓ Iliev, P., & Roth, L. (2018). Learning from directors' foreign board experiences. *Journal of Corporate Finance*, 51, 1-19.
- ✓ Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- ✓ Jo, H., & Harjoto, M. A. (2011). Corporate governance and firm value: The impact of corporate social responsibility. *Journal of Business Ethics*, 103(3), 351-383.
- ✓ Kim, J.-B., Li, Y., & Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(3), 639-662.
- ✓ Lin, K. Z., Cheng, S., & Zhang, F. (2017). Corporate social responsibility, institutional environments, and tax avoidance: Evidence from a subnational comparison in China. *The International Journal of Accounting*, 52(4), 303-318.
- ✓ Laguir, I., Staglianò, R., & Elbaz, J. (2015). Does corporate social responsibility affect corporate tax aggressiveness? *Journal of Cleaner Production*, 107, 662-675.
- ✓ Landry, S., Deslandes, M., & Fortin, A. (2013). Tax aggressiveness, corporate social responsibility, and ownership structure. *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy*, 14(3), 611-645.
- ✓ Lanis, R., & Richardson, G. (2013). Corporate social responsibility and tax aggressiveness: A test of legitimacy theory. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 26(1), 75-100.
- ✓ Lu, W., & Taylor, M. E. (2016). Which factors moderate the relationship between sustainability performance and financial performance? A meta-analysis study. *Journal of International Accounting Research*, 15(1), 1-15.
- ✓ Limkriangkrai, M., Koh, S. K., & Durand, R. B. (2017). Environmental, social, and governance (ESG) profiles, stock returns, and financial policy: Australian evidence. *International Review of Finance*, 17(3), 461-471.
- ✓ Mullins, W., & Schoar, A. (2016). How do CEOs see their roles? Management philosophies and styles in family and non-family firms. *Journal of Financial Economics*, 119, 24-43.
- ✓ Morck, R., & Yeung, B. (2004). Family control and the rent-seeking society. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 28(4), 391-409.
- ✓ Ntim, C. G., & Soobaroyen, T. (2013). Corporate governance and performance in socially responsible corporations: New empirical insights from a Neo- Institutional framework. *Corporate Governance: An International Review*, 21(5), 468-494.
- ✓ Principles for Responsible Investment (PRI) (2017). Principles for Responsible Investment. Available from.
- ✓ Preuss, L. (2010). Tax avoidance and corporate social responsibility You can't do both, or can you? *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 10(4), 365-374.
- ✓ Rodrigues, L., & Craig, R. (2007). Assessing international accounting harmonization using Hegelian dialectic, isomorphism and Foucault. *Critical Perspectives on Accounting*, 18 (6): 739-757.
- ✓ Rao, K., & Tilt, C. (2016). Board composition and corporate social responsibility: The role of diversity, gender, strategy and decision making. *Journal of Business Ethics*, 138(2), 327-347.

- ✓ Solomon, J. (2013). Corporate governance and accountability (4th ed.). Chichester: John Wiley & Sons.
- ✓ Sikka, P. (2010). Smoke and mirrors: Corporate social responsibility and tax avoidance. *Accounting Forum*, 34(3-4), 153-168.
- ✓ Tricker, R. I. (1984). *Corporate governance: Practices, procedures, and powers in British companies and their boards of directors*. Gower Publishing Company, Limited.
- ✓ Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), 969-999.
- ✓ Yuthas, K., Rogers, R., & Dillard, J. F. (2002). Communicative action and corporate annual reports. *Journal of Business Ethics*, 41(1), 141-157.